

Research Paper

Modeling the Structural Relationships of Conflicts between Parents and Students with Aggression: The Mediating Role of Moral Disengagement



Zohre Mohammad Eini¹, Jamal Sadeghi^{*2}, Fariborz Dortaj³, Alireza Homayoni⁴

1. Ph.D. Candidate in Educational Psychology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran

3. Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Department of Psychology, Bandar Gaz Branch, Islamic Azad University, Bandar Gaz, Iran

Citation: Mohammad Eini Z, Sadeghi J, Dortaj E, Homayoni A. Modeling the structural relationships of conflicts between parents and students with aggression: the mediating role of moral disengagement. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2020; 7(2): 41-54.

<http://dx.doi.org/10.29252/jcmh.7.2.5>

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Keywords:

Parent-adolescent conflict, moral disengagement, aggression

Background and Purpose: Aggression is a social damage which is increasing in the society. In addition, aggression is one of the most important issues of childhood and adolescence which is related to parent-child relationships and family conflicts. Therefore, present study aimed to modeling the structural relationships of conflicts between the parents and adolescents with aggression through the moderating role of moral disengagement in female students.

Method: This was a study with descriptive-correlational design and structural equations. The study population included all the female students studying at the secondary schools of Qom in the academic year of 2019-2020. A sample of 607 students was selected by multi-stage cluster sampling to participate in this research. The participants answered Parent-Child Relationship Scale (Fine, Moreland, & Schwebel, 1983), Moral Disengagement Scale (Caprara et al., 2006) and Aggression Questionnaire (Buss & Perry, 1992). To analyze the data, structural equations modeling with AMOS was used.

Results: Results showed that effect of adolescent-parent conflict on moral disengagement ($P < 0.01$, $\beta = 0.67$) and aggression ($P < 0.01$, $\beta = 0.47$) was positive and significant. The effect of moral disengagement on aggression ($P < 0.01$, $\beta = 0.26$) was positive and significant. Moral disengagement had a positive and significant mediating role in the relationship between parent-adolescent conflict and adolescent aggression ($P < 0.01$, $\beta = 0.17$).

Conclusion: Based on the results of the present research, it can be concluded that the parent-adolescent conflict leads to the increase of moral disengagement and aggression in female students. Also, moral disengagement increases the relationship between parent-adolescent conflict and aggression.

Received: 23 Feb 2020

Accepted: 30 May 2020

Available: 20 Sep 2020

* **Corresponding author:** Jamal Sadeghi, Professor, Assistant Professor, Department of Psychology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

E-mail addresses: Jamalsadeghi48@yahoo.com

2476-5740/ © 2019 The Authors. This is an open access article under the CC BY-NC-ND license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/3.0/>).

مدل‌یابی روابط ساختاری تعارضات والدین و دانش‌آموزان با پرخاشگری: نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی

زهرة محمدعینی^۱، جمال صادقی*^۲، فریبرز درتاج^۳، علی‌رضا همایونی^۴

۱. دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۳. استاد گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۴. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران

مشخصات مقاله

چکیده

کلیدواژه‌ها:

تعارض نوجوانان و والدین، بی‌تفاوتی اخلاقی، پرخاشگری

زمینه و هدف: پرخاشگری یکی از آسیب‌های اجتماعی است که در جامعه در حال افزایش است. به همین جهت، پرخاشگری یک مسئله اجتماعی و یکی از موضوعات اساسی بهداشت روانی به شمار می‌آید. علاوه بر این، پرخاشگری یکی از مسائل مهم در دوران کودکی و نوجوانی است که با روابط فرزند با والدین و تعارضات خانوادگی در ارتباط است. بدین ترتیب پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی روابط ساختاری تعارضات نوجوانان و والدین با پرخاشگری از طریق نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی در دانش‌آموزان دختر، انجام شد.

روش: نوع پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر قم در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بود که ۶۰۷ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای به عنوان نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شرکت کردند. افراد نمونه به پرسشنامه‌های رابطه والد-فرزند (فاین، مورلند و شویل، ۱۹۸۳)، بی‌تفاوتی اخلاقی (کاپرارا و همکاران، ۲۰۰۶) و پرخاشگری (باس و پری، ۱۹۹۲) پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری با نرم‌افزار ایموس استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد تأثیر تعارض والدین و دانش‌آموزان بر بی‌تفاوتی اخلاقی ($P < 0/01, \beta = 0/67$) و پرخاشگری ($P < 0/01, \beta = 0/47$)، مثبت و معنادار است؛ تأثیر بی‌تفاوتی اخلاقی بر پرخاشگری ($P < 0/01, \beta = 0/26$) مثبت و معنادار است؛ و بی‌تفاوتی اخلاقی در ارتباط بین تعارض نوجوانان و والدین و پرخاشگری، نقش میانجی مثبت و معناداری دارد ($P < 0/01, \beta = 0/17$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به دست آمده در این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که تعارض والدین و دانش‌آموزان به افزایش بی‌تفاوتی اخلاقی و پرخاشگری دانش‌آموزان دختر، منجر می‌شود. همچنین بی‌تفاوتی اخلاقی بر رابطه بین تعارض والدین و دانش‌آموزان و پرخاشگری آنان، می‌افزاید.

دریافت شده: ۹۸/۱۲/۰۴

پذیرفته شده: ۹۹/۰۳/۱۰

منتشر شده: ۹۹/۰۶/۳۰

* نویسنده مسئول: جمال صادقی، استادیار گروه روان‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

رایانامه: Jamalsadeghi48@yahoo.com

تلفن: ۰۱۱-۳۲۴۱۵۰۰۰

مقدمه

پرخاشگری^۱ یکی از آسیب‌های اجتماعی است که در جامعه رو به افزایش است؛ به همین جهت، پرخاشگری یک مسئله اجتماعی و یکی از موضوعات اساسی بهداشت روانی افراد جامعه به شمار می‌آید (۱). علاوه بر این بروز رفتارهای پرخاشگرانه یکی از مسائل مهم در دوران دانش‌آموزی است و به عنوان یک مشکل شدید و رو به افزایش در میان نوجوانان و جوانان شناخته شده است (۲). مشاهده جهان اطراف نشان می‌دهد که این مشکل رفتاری در بین همه انواع جانداران، تمامی طبقات اجتماعی-اقتصادی، و مراحل مختلف سنی دیده می‌شود. مسائل مرتبط با خشم مانند رفتارهای مقابله‌ای، خصومت، و پرخاشگری از علل اصلی مراجعه نوجوانان و جوانان به مراکز مشاوره و روان‌درمانی است (۳). عدم مهار رفتار پرخاشگرانه علاوه بر اینکه باعث ایجاد مشکلات بین‌فردی و جرم و تجاوز به حقوق دیگران می‌شود، اما همچنین ممکن است درون‌ریزی شده و باعث انواع مشکلات جسمی-روانی مانند زخم معده، سردردهای میگرنی، و افسردگی شود (۴). هر چند بارها اصطلاح پرخاشگری را شنیده‌ایم، اما هنگام تعریف دقیق و تحلیل آن، اصطلاحی مبهم و کلی به نظر می‌رسد (۵). پرخاشگری با وجود اینکه دارای اشتراکاتی با خشم و خصومت است، اما این اصطلاحات با هم مترادف نیستند. خصومت به نگرش پرخاشگرانه‌ای اشاره دارد که فرد را به سوی رفتار پرخاشگرانه هدایت می‌کند؛ در حالی که پرخاشگری به رفتار قابل مشاهده و به قصد آسیب رساندن اشاره دارد. همچنین خشم به حالتی هیجانی یا احساسی درونی ناشی از برانگیختگی فیزیولوژیکی گفته می‌شود (۱). صرف نظر از دیدگاه‌ها و به تبع آن تعاریف مختلف درباره پرخاشگری، باید توجه داشت که عوامل متعدد زیستی، روانی-اجتماعی، شخصیتی، خانوادگی، و شناختی در پیدایش و تداوم پرخاشگری، نقش دارند.

تعارض^۲ به معنای مخالفت بین دو یا چند شخص است که به نظر می‌رسد در روابط والدین با فرزندان به خصوص در دوره نوجوانی، اجتناب‌ناپذیر است (۶). بروز تعارض در روابط انسان‌ها با یکدیگر، موضوعی رایج و اجتناب‌ناپذیر است، به گونه‌ای که می‌توان از تعارض

به عنوان رایج‌ترین پدیده‌های موجود در روابط انسان‌ها نام برد. تعارض زمانی ایجاد می‌شود که اعمال یک فرد با اعمال فرد مقابل تداخل داشته باشد. همچنان که دو فرد به هم نزدیک‌تر می‌شوند، پتانسیل تعارض افزایش می‌یابد؛ در حقیقت وقتی تعاملات بین افراد بیشتر شده و فعالیت‌ها و موضوعات متنوع‌تری را در برمی‌گیرد، زمینه مخالفت بیشتر می‌شود (۷). رایس^۳ (۱۹۹۹) تعارضات را به دو دسته سازنده^۴ و مخرب^۵ تقسیم می‌کند. تعارضات سازنده، موضوعاتی هستند که در آنها صحبت در مورد مشکلات، به درکی کامل‌تر در جهت مصالحه یا حل مشکل منجر می‌شود و همچنین موجب کاهش هیجانات منفی شده، احترام و اعتماد ایجاد کرده، و سبب می‌شود طرفین همدیگر را درک کنند. در واقع طرفین در جوی سرشار از اعتماد و دوستی قرار می‌گیرند که در آن مخالفت‌های مشروع مورد بحث قرار می‌گیرد و این موضوع مستلزم سطح پایینی از پاسخ‌های کلامی منفی است. تعارضات مخرب، تعارض‌هایی هستند که فرد مقابل را بیشتر در مشکل مربوطه درگیر کرده و موجب شرمندگی، تحقیر، تنفر، اهانت، یا حتی تنبیه می‌شود. در تعارضات مخرب، بحث‌ها حاشیه‌دار شده و در نهایت به رنجش و خصومت نسبت به شخص مخاطب، کاهش اعتماد، اطمینان، و همکاری منجر می‌شود (به نقل از ۸). تعارضات شدید و مکرر به پرخاشگری و اختلال در روابط و عملکرد منجر می‌شود و در این زمان به مداخلات درمانی نیاز است. به طور قطع نمی‌توان گفت که در ایجاد این تعارضات چه کسی (والد یا نوجوان) بیشترین تأثیر را دارد (۹). گارثه، سولیوان و گورمان-اسمیت (۱۰) در پژوهش خود دریافتند که بافت خانواده بر خشونت نوجوانان تأثیر دارد. لابلو و ماستن (۱۱) دریافتند که رفتارهای مخرب خانواده‌ها از قبیل منفی بودن، فقدان گرمی و عطف در خانواده، سخت‌گیری، و رویارویی با خشونت به افزایش پرخاشگری و خشونت منجر می‌شود. اما گرمی والدین، ساختار خانواده، و ارزش‌های جامعه‌پسند به افزایش رفتارهای انطباقی و کاهش پرخاشگری منجر می‌شوند. علاوه بر این، نتایج پژوهش‌های چگینی، ابراهیمی و صاحبی (۱۲)، حجازی، باباخانی و احمدی (۱۳)، و پورمند، محسن‌زاده و

1. Aggression
2. Conflict
3. Rice

4. Constructive
5. Destructive

قاندنیای (۱۴) نیز بیانگر تأثیر تعارض نوجوانان و والدین بر پرخاشگری نوجوانان بود.

بی‌تفاوتی اخلاقی^۱ نیز به عنوان پیش‌بینی‌کننده پرخاشگری و یکی از خطوط اصلی پژوهش در این زمینه است. مفهوم بی‌تفاوتی اخلاقی در نظریه یادگیری شناختی- اجتماعی بندورا و دیدگاه عاملیت اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برحسب مفروضات نظریه یادگیری شناختی- اجتماعی بندورا؛ تقابلی سه‌جانبه (تعیین‌گری متقابل) میان رفتار، متغیرهای محیطی و عوامل مرتبط با فرد وجود دارد. بر این مبنا رفتار اخلاقی فرد نیز حاصل برهم‌کنش‌های متقابل محرک‌های بیرونی (نظیر زمینه اجتماعی) و محرک‌های درونی فرد (نظیر شناخت) است (۱۵). بندورا با استفاده از سازه بی‌تفاوتی اخلاقی به فرایندهای شناختی فردی اشاره دارد که رفتارهای آسیب‌زا را توجیه می‌کند (۱۵ و ۱۶) و فرد در یک زمینه و زمان خاص، خود را از معیارهای اخلاقی جدا می‌کند (۱۷). بندورا چگونگی این سرپیچی و عدول از اصول اخلاقی را با طرح این سازه تبیین می‌کند. وی چهار دسته کلی بی‌تفاوتی اخلاقی و هشت مکانیسم شناختی را شناسایی کرده است که افراد به واسطه این مکانیسم‌ها می‌توانند از نظر اخلاقی «بی‌تفاوت» باشند. دسته نخست، بازسازی شناختی^۲ است که افراد از این طریق می‌توانند رفتار منفی یا غیراخلاقی را مثبت‌تر ببینند که خود شامل سه مکانیسم می‌شود: ۱) توجیه اخلاقی^۳ (اعمال قابل سرزنش را در راستای هدفی والاتر تعریف می‌کنند)، ۲) مقایسه مطلوب^۴ (رفتار قابل سرزنش را با رفتارهای بدتر مقایسه می‌کنند)، ۳) حسن‌تعبیر^۵ (قابل قبول‌تر کردن رفتار از طریق زبانی که اثر منفی آن را کمینه یا پنهان می‌کنند). دسته کلی دوم، که به حداقل رساندن نقش عاملیتی فرد مربوط می‌شود که شامل دو مکانیسم است: ۴) جابجایی مسئولیت^۶ (مسئولیت عمل را به یک مقام مرجع نسبت می‌دهند)، ۵) پخش مسئولیت^۷ (مسئولیت رفتار خود را از طریق تأکید روی یک عمل جمعی یا تصمیم گروهی فرافکنی می‌کنند). در دسته کلی سوم، مکانیسم ششم تحریف پیامدها^۸ (صورت می‌گیرد که افراد از این راه پیامدهای رفتار خود را با انکار یا کوچک کردن تأثیر آن به روی

قربانی‌ها کم‌اهمیت جلوه می‌دهند) را شامل می‌شود. دسته چهارم شامل دو مکانیسم می‌شود: ۷) غیرانسانی کردن فرد^۹ (که از این طریق با قربانی به صورت موجوداتی پست‌تر رفتار می‌شود) و ۸) نسبت دادن سرزنش^{۱۰} (بر این اساس فرد قربانی را شایسته رفتار غیر اخلاقی می‌دانند). پس در نهایت چهار دسته کلی بی‌تفاوتی اخلاقی، شامل هشت مکانیسم مجزا هستند (۱۹-۱۵). پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه بین متغیرهای بی‌تفاوتی اخلاقی و پرخاشگری پرداخته‌اند، نشان‌دهنده رابطه مثبت بین این دو متغیر هستند. به عنوان مثال، مازونه، یانگیدا، کاراویتا و ستروهمیر (۲۰) دریافتند که رفتار پرخاشگرانه، پیش‌بینی‌کننده منفی هیجانات اخلاقی است؛ بی‌تفاوتی اخلاقی بر هیجانات اخلاقی تأثیر منفی دارد؛ و بی‌تفاوتی اخلاقی بالا، پیش‌بینی‌کننده هیجانات اخلاقی پایین است. در این رابطه سجویسما، گارافالو، جانسن و کلیمسترا (۲۱) به این نتیجه رسیدند که بی‌تفاوتی اخلاقی پیش‌بینی‌کننده مثبت رفتارهای ضداجتماعی است و همچنین تنگ، نی، ژانگ، لیو و بوشمان (۲۲) در پژوهش خود دریافتند که بی‌تفاوتی اخلاقی بر پرخاشگری تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در مجموع، با توجه به موارد فوق، هدف اساسی این پژوهش مدل‌یابی روابط ساختاری تعارض نوجوانان و والدین و پرخاشگری با نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی در نوجوانان است و در صدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا بی‌تفاوتی اخلاقی در نوجوانان می‌تواند در رابطه بین تعارض نوجوانان و والدین با پرخاشگری، نقش میانجی بازی کند. با توجه به میانی نظری و پژوهشی، مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ترسیم شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این مدل تعارض نوجوانان و والدین به عنوان متغیر مستقل، بی‌تفاوتی اخلاقی به عنوان متغیر میانجی، و پرخاشگری نوجوانان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین فرضیه‌های پژوهش حاضر به صورت زیر است:

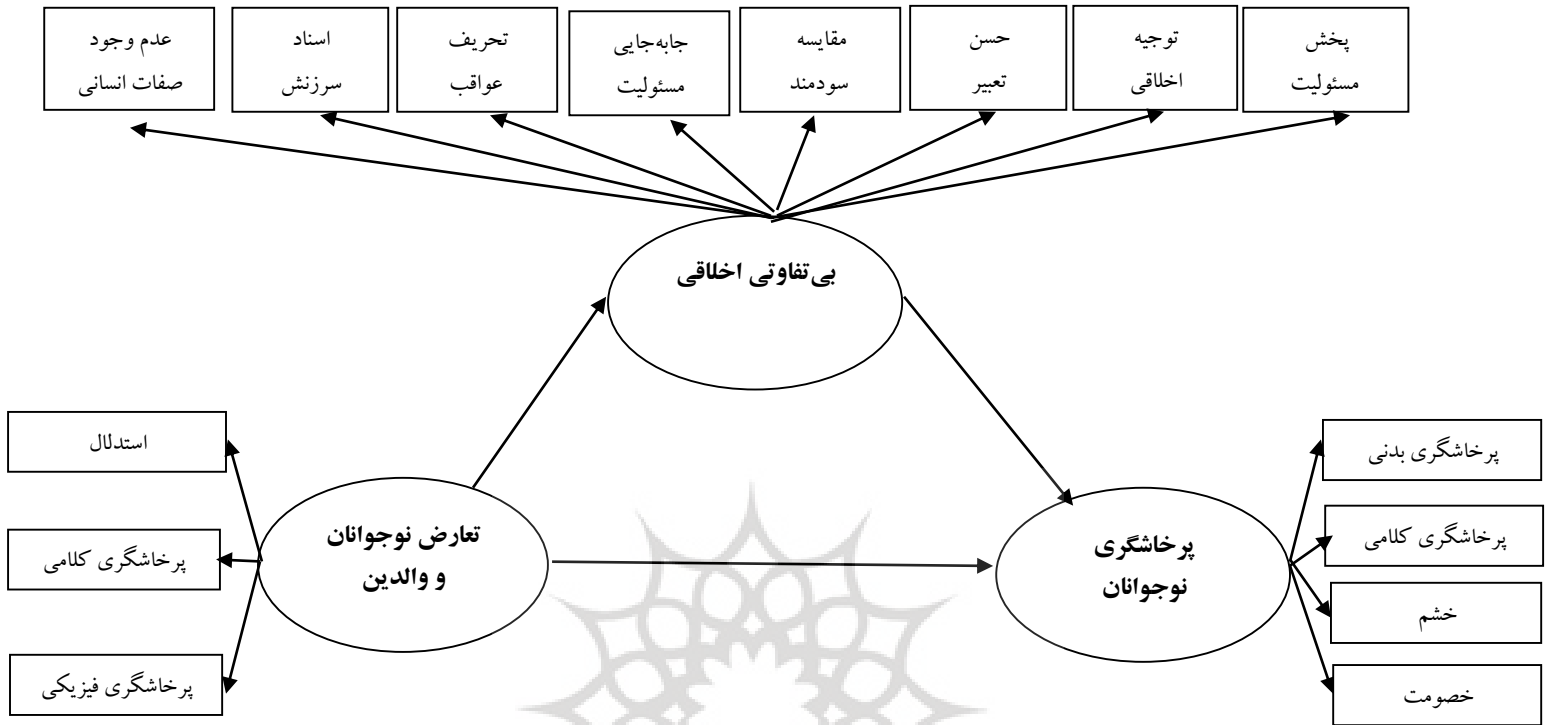
فرضیه ۱: تعارض نوجوانان و والدین بر پرخاشگری نوجوانان، اثر مستقیم دارد.

فرضیه ۲: بی‌تفاوتی اخلاقی بر پرخاشگری نوجوانان، اثر مستقیم دارد.

6. Displacement of responsibility
7. Diffusion of responsibility
8. Distorting consequences
9. Dehumanization
10. Attribution of blame

1. Moral disengagement
2. Cognitive restructuring
3. Moral justification
4. Advantageous comparison
5. Euphemistic language

فرضیه ۳: تعارض نوجوانان و والدین با میانجیگری بی‌تفاوتی اخلاقی بر پرخاشگری نوجوانان، اثر غیر مستقیم دارد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳۰۰ تا ۴۰۰ اشاره می‌کند (به نقل از ۲۳). در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده شده (۱۷ متغیر) و تخصیص ضریب ۲۵ برای هر متغیر، و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص، ۷۲۶ نفر به عنوان نمونه مورد نظر انتخاب شدند. دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای در سه مرحله انتخاب شدند. در مرحله نخست از بین مناطق چهارگانه آموزش و پرورش قم، ۲ منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از هر منطقه، ۵ مدرسه و از هر مدرسه سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و در نهایت تعداد ۷۲۶ نفر از دانش‌آموزان این کلاس‌ها پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند که پس از حذف پرسشنامه‌هایی که ناقص پاسخ داده شده بودند، ۶۰۷ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفتند. معیارهای ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، جنسیت مؤنث، و تحصیل در مقطع متوسطه؛ و معیارهای خروج از پژوهش شامل عدم

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان: نوع این مطالعه، توصیفی و طرح پژوهش، همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری است؛ زیرا در این پژوهش، روابط بین متغیرها در قالب یک الگوی علی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه در دامنه سنی بین ۱۶ تا ۱۸ سال شهر قم در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ بودند. در زمینه برآورد حجم نمونه بهینه برای مطالعات مربوط به مدل‌یابی معادلات ساختاری، نظرات متفاوتی وجود دارد. از جمله کلاین^۱ (۲۰۱۰) و لوهلین^۲ (۲۰۰۴) معتقدند حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ نامناسب و حجم‌های بالاتر از ۲۰۰ مطلوب است. برای سازگاری با الگوی معادلات ساختاری، تعداد نمونه باید حداقل ۲۰ برابر متغیرهای مشاهده شده باشد و در این رابطه مک‌کالم^۳ (۲۰۰۱) حجم نمونه بین

3. MacCallum

1. Kline
2. Loehlin

رضایت و همکاری از سوی دانش‌آموز و وجود پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص بود. ۴۲/۳۴ درصد دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش در پایه دهم، ۳۲/۹۵ درصد در پایه یازدهم، و ۲۴/۷۱ درصد در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. همچنین بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش دارای وضعیت اجتماعی اقتصادی متوسط بودند.

(ب) ابزار

۱. پرخاشگری^۱: برای اندازه‌گیری پرخاشگری در این مطالعه از پرسشنامه باس و پری (۲۴) استفاده شد. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی است که شامل ۲۹ گویه و چهار زیرمقیاس است که عبارت است از: پرخاشگری بدنی^۲ شامل ۹ گویه (۲-۵-۸-۱۱-۱۳-۱۶-۲۲-۲۵-۲۹)، پرخاشگری کلامی^۳ شامل ۵ گویه (۴-۶-۱۴-۲۱-۲۷)؛ خشم^۴ شامل ۷ گویه (۱-۹-۱۲-۱۸-۱۹-۲۳-۲۸) و خصومت^۵ شامل ۸ گویه (۳-۷-۱۰-۱۵-۱۷-۲۰-۲۴-۲۶) است. گویه‌ها در یک طیف ۵ درجه‌ای از کاملاً شبیه من است (۵)، تا محدودی شبیه من است (۴)، نه شبیه من است (۳)، تا محدودی شبیه من نیست (۲)، و به شدت شبیه من نیست (۱)، نمره‌گذاری می‌شوند. دو گویه ۹ و ۱۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل برای پرخاشگری با مجموع نمرات زیرمقیاس‌ها به دست می‌آید. دامنه تغییرات برای این مقیاس بین ۲۹ تا ۱۴۵ است. نمره بیشتر آزمودنی در این مقیاس، نشانگر پرخاشگری بیشتر آزمودنی است و بالعکس.

باس و پری (۲۴)، در بررسی پایایی فرم ۲۹ گویه‌ای پرسشنامه، به روش بازآزمایی بر روی ۳۷ نفر پس از نه هفته، ضریب همبستگی ۰/۸۰، ۰/۷۶، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ را به ترتیب برای عوامل پرخاشگری بدنی، کلامی، خشم، و کینه‌ورزی (خصومت)، گزارش کردند. ایشان همچنین ضریب آلفای کل نمرات را ۰/۸۹ گزارش شد. محمدی (۲۵)، اعتبار این پرسشنامه را بر روی یک گروه نمونه ۲۰۹ نفری از دانشجویان دانشگاه شیراز، به سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی، و تنصیف مورد تحلیل قرار داد که به ترتیب ضرایب ۰/۸۹، ۰/۷۸ و ۰/۷۳ به دست آورد. روایی پرسشنامه را نیز از راه شاخص‌های روایی همزمان و تحلیل عاملی

اکتشافی مورد بررسی قرار داد. روایی همزمان با به‌کارگیری مقیاس آسیب روانی عمومی برآورد شد که ضریب همبستگی (۰/۳۴) میان پرسشنامه پرخاشگری و آسیب روانی عمومی معنادار بود ($p < 0.01$). نتایج تحلیل عوامل با استفاده از روش‌های مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس نشان داد که این پرسشنامه از چهار عامل خصومت، پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری کلامی، و خشم تشکیل شده است. این عوامل، بیشتر از ۴۶ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند. علاوه بر این، ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های پرخاشگری بدنی، کلامی، خشم، و خصومت به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۱، ۰/۸۵، و ۰/۷۹ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۶ به دست آمد که نشانگر اعتبار مناسب پرسشنامه است. لازم به ذکر است که نتایج مربوط به شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی در پژوهش حاضر $AGFI=0/93$ ، $GFI=0/94$ ، $RMSEA=0/059$ ، $NFI=0/97$ و $CFI=0/98$ به دست آمده است که نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه است.

۲. پرسشنامه رابطه والد-فرزند^۶: برای اندازه‌گیری متغیر روابط و تعارضات بین والدین با فرزندان از پرسشنامه ارزیابی والدین - فرزند فاین، مورلند و اندرو شویل^۷ (۲۶) استفاده شد. این ابزار دارای ۱۵ گویه است که سه تاکتیک حل تعارض یعنی استدلال^۸، پرخاشگری کلامی^۹، و پرخاشگری جسمانی^{۱۰} را می‌سنجد. گویه‌های پرسشنامه دارای پنج درجه از خیلی کم تا خیلی زیاد هستند که میزان بروز رفتار در هر مورد را نشان می‌دهند. پنج گویه نخست پرسشنامه، استدلال؛ پنج گویه دوم، پرخاشگری کلامی؛ و پنج گویه سوم پرخاشگری جسمانی را می‌سنجد (۲۶) و دامنه تغییرات برای هر مؤلفه بین ۵ تا ۲۵ است. نمره ۵ نشان‌دهنده عدم تعارض در رابطه و نمره ۲۵ نشان‌دهنده بیشترین تعارض است. دامنه نمرات برای کل آزمون بین ۱۵ تا ۷۵ است که نمره ۱۵ نشان‌دهنده عدم تعارض و نمره ۷۵ نشان‌دهنده بیشترین تعارض است. این مقیاس توسط فاین، مورلند و اندرو شویل (۲۶) روی ۲۴۱ دانشجو (۱۰۰ نفر مرد و ۱۴۱ نفر زن) اجرا شد و ضریب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به پدر، ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به مادر، و نیز

6. Parent-child relationship scale (PCRS)
7. Fine, Moreland & Schwebel
8. Reasoning
9. Verbal aggression
10. Physical aggression

- 1 The aggression questionnaire- AQ
2. Physical aggression
3. Verbal aggression
4. Anger
5. Hostility

آلفای کلی ۰/۹۶ به دست آمد و حاکی از همسانی درونی بالای این مقیاس است.

این پرسشنامه در ایران توسط زابلی در سال ۱۳۸۳ بر روی ۴۶ نفر اجرا شد که اعتبار آن را برای کل آزمون ۰/۷۴ و برای خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۵۸، پرخاشگری کلامی ۰/۶۵، و پرخاشگری جسمانی ۰/۸۲ گزارش کردند (۲۷). علاوه بر این، در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های استدلال، پرخاشگری کلامی، و پرخاشگری جسمانی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۸، ۰/۸۳ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ به دست آمد که نشانگر اعتبار مناسب پرسشنامه است. همچنین شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی در پژوهش حاضر $NFI=0/96$ و $CFI=0/98$ ، $AGFI=0/92$ ، $GFI=0/94$ ، $RMSEA=0/064$ به دست آمده است که نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه است.

۳. بی‌تفاوتی اخلاقی^۱: برای اندازه‌گیری بی‌تفاوتی اخلاقی از پرسشنامه کاپرارا و کاپانا (۲۸) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۳۲ گویه است. ۴ گویه توجیه اخلاقی^۲ (۱۸، ۲۲، ۲۴، ۲۹)، ۴ گویه حسن تعبیر^۳ (۱۲، ۱۴، ۱۷ و ۳۲)، ۴ گویه مقایسه سودمند^۴ (۴، ۲۳، ۲۱، ۲۷)، ۴ گویه جابه‌جایی مسئولیت^۵ (۱، ۵، ۲۰، ۲۶)، ۴ گویه پخش مسئولیت^۶ (۶، ۱۳، ۱۶، ۳۰)، ۴ گویه تحریف عواقب^۷ (۷، ۹، ۱۱، ۲۵)، ۴ گویه اسناد سرزنش^۸ (۳، ۱۰، ۱۵ و ۱۹) و ۴ گویه عدم وجود صفات انسانی^۹ (۲۸، ۲۸ و ۳۱) را می‌سنجد. دامنه تغییرات برای این مقیاس بین ۳۲ تا ۱۶۰ است که نمره بالاتر، نشانه بی‌تفاوتی اخلاقی بیشتر می‌باشد. ضریب اعتبار این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه کاپرارا و کاپانا (۲۸) ۰/۹۴ به دست آمد. آنها همچنین جهت بررسی روایی پرسشنامه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده کردند که شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی $RMSEA=0/044$ و $SRMR=0/045$ به دست آمده است و نشانگر روایی مناسب پرسشنامه بود. علاوه بر این، ضریب آلفای کرونباخ

برای خرده‌مقیاس‌های توجیه اخلاقی، حسن تعبیر، مقایسه سودمند، جابه‌جایی مسئولیت، پخش مسئولیت، تحریف عواقب، اسناد سرزنش، و عدم وجود صفات انسانی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۱، ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۸۳، ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۸۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ به دست آمد که نشانگر اعتبار مناسب پرسشنامه است. در پژوهش حاضر شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی $RMSEA=0/066$ ، $GFI=0/93$ ، $AGFI=0/91$ ، $CFI=0/97$ و $NFI=0/95$ به دست آمد که نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه است.

ج) روش اجرا: پس از دریافت مجوزهای لازم علمی، اداری و اجرایی از سازمان آموزش و پرورش استان قم (شهر قم)، افراد نمونه به شرح ارائه شده در بخش روش، انتخاب شده‌اند. در مرحله بعد پس از هماهنگی با مدیران و معلمان مدارس و توضیح هدف‌های پژوهش و اطمینان از جلب رضایت دانش‌آموزان، پرسشنامه‌های پژوهش اجرا شد. ملاحظات اخلاقی از قبیل رضایت آگاهانه دانش‌آموزان برای تکمیل پرسشنامه، محرمانه ماندن و رازداری مشخصات و اطلاعات شخصی دانش‌آموزان، در این مطالعه به طور کامل رعایت شد. در نهایت جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و روش مدل معادلات ساختاری با نسخه ۲۴ نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، و کشیدگی ارائه شده‌اند. مطابق با دیدگاه کلاین، یکی از مفروضه‌های استفاده از مدل‌یابی علی، نرمال بودن توزیع متغیرها است که برای برقرار بودن این مفروضه، قدر مطلق چولگی و کشیدگی متغیرها به ترتیب نباید از ۳ و ۱۰ بیشتر باشد.

6. Diffusion of responsibility
7. Distorting consequences
8. Attribution of blame
9. Dehumanization

1. Assessing moral disengagement
2. Moral justification
3. Euphemistic language
4. Advantageous comparison
5. Displacement of responsibility

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیرها | میانگین | انحراف استاندارد | چولگی | کشدگی |
|-------------------------|---------|------------------|-------|--------|
| تعارض نوجوانان و والدین | ۴۶/۲۲ | ۱۲/۸۴ | ۰/۱۳۲ | -۰/۳۱۳ |
| بی‌تفاوتی اخلاقی | ۹۵/۴۴ | ۲۱/۲۵ | ۰/۰۳۳ | ۰/۴۹۶ |
| پرخاشگری نوجوانان | ۸۵/۷۹ | ۲۳/۶۹ | ۰/۱۸۵ | -۰/۲۶۵ |

**P<۰/۰۱

همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها کمتر از یک است؛ بنابراین مفروضه نرمال بودن مدل‌یابی علی برقرار است. در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

| متغیرها | تعارض نوجوانان و والدین | بی‌تفاوتی اخلاقی | پرخاشگری نوجوانان |
|-------------------------|-------------------------|------------------|-------------------|
| تعارض نوجوانان و والدین | ۱ | | |
| بی‌تفاوتی اخلاقی | ۰/۶۰** | ۱ | |
| پرخاشگری نوجوانان | ۰/۵۷** | ۰/۵۲** | ۱ |

**P<۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی تعارض نوجوانان و والدین با بی‌تفاوتی اخلاقی ($r=۰/۶۰$) و پرخاشگری نوجوانان ($r=۰/۵۷$) در سطح $۰/۰۱$ مثبت و معنادار است و ضریب همبستگی بی‌تفاوتی اخلاقی و پرخاشگری نوجوانان ($r=۰/۵۲$) در سطح $۰/۰۱$ مثبت و معنادار است.

جهت آزمون الگوی نظری پژوهش و برازش آن با داده‌های گردآوری شده از روش بیشینه احتمال استفاده شد. جهت استفاده از این روش، لازم است که نرمال بودن چندمتغیره متغیرها بررسی شود. در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن چندمتغیره از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا استفاده شد که در پژوهش حاضر $۴۲/۵۰۶$ به دست آمد که کمتر از عدد ۲۵۵ است و با استفاده از فرمول $p(p+2)$ محاسبه شده است. مطابق با این فرمول p مساوی است با تعداد متغیرهای مشاهده شده که در این پژوهش ۱۵ است.

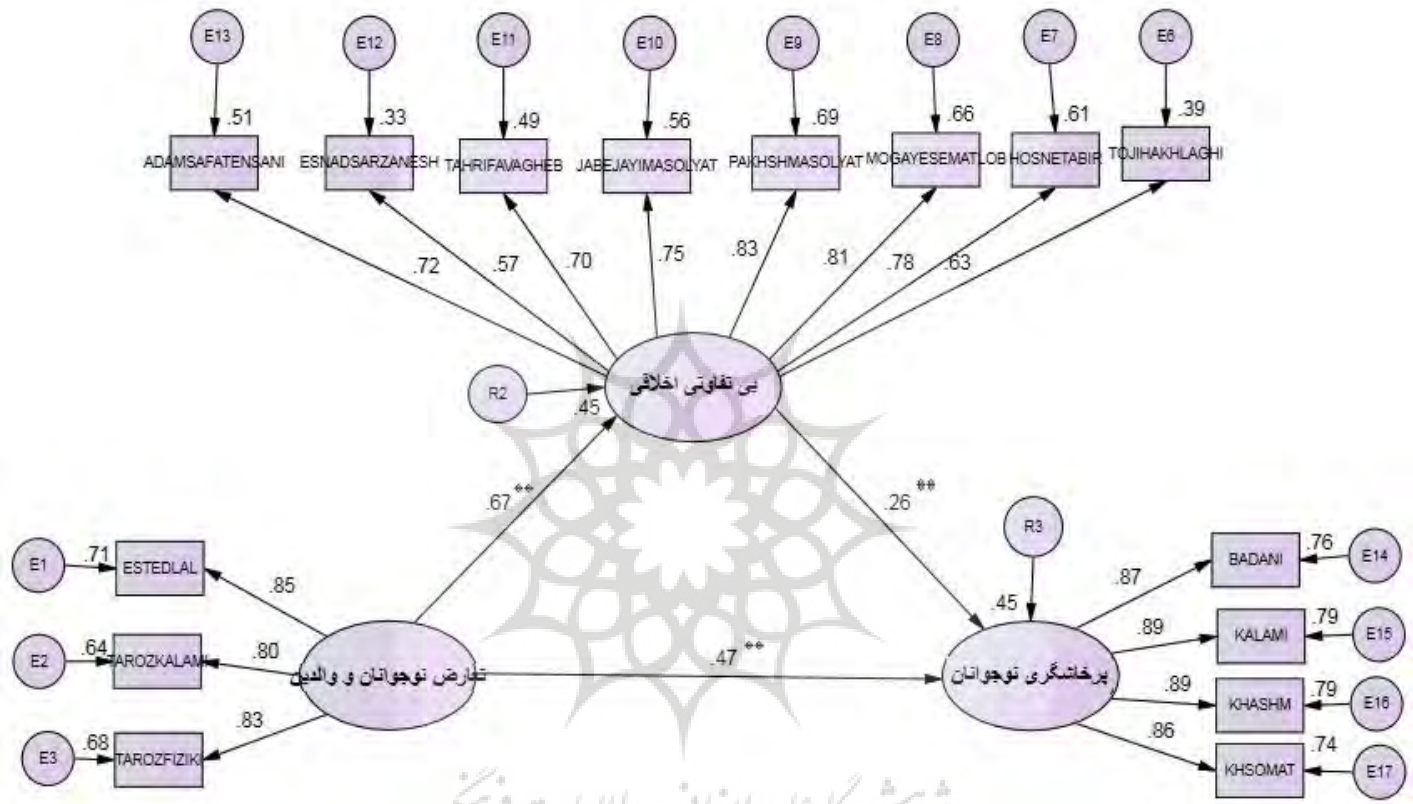
در جدول ۳ مشخصه‌های برازندگی الگوی معادلات ساختاری یعنی برازش مطلق، تطبیقی و تعدیل یافته به تفکیک گزارش شده است. در این پژوهش شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) و ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR) به عنوان شاخص‌های برازش مطلق، شاخص برازش تطبیقی

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش

| شاخص‌های برازش مطلق | | | شاخص |
|---------------------|---------------|---------------|----------------------------|
| SRMR | AGFI | GFI | مقدار بدست آمده |
| ۰/۰۳۶ | ۰/۹۴ | ۰/۹۵ | حد قابل پذیرش |
| کمتر از ۰/۰۵ | بیشتر از ۰/۸۰ | بیشتر از ۰/۹۰ | شاخص‌های برازش تطبیقی |
| شاخص | | | شاخص |
| NNFI | NFI | CFI | مقدار بدست آمده |
| ۰/۹۶ | ۰/۹۸ | ۰/۹۹ | حد قابل پذیرش |
| بیشتر از ۰/۹۰ | بیشتر از ۰/۹۰ | بیشتر از ۰/۹۰ | شاخص‌های برازش تعدیل یافته |
| شاخص | | | شاخص |
| RMSEA | PNFI | χ^2/df | مقدار بدست آمده |
| ۰/۰۵۶ | ۰/۷۱ | ۲/۸۸ | حد قابل پذیرش |
| کمتر از ۰/۰۸ | بیشتر از ۰/۶۰ | کمتر از ۳ | |

مقادیر استاندارد شده روی هر کدام از مسیرها درج شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تأثیر تعارض نوجوانان و والدین بر بی‌تفاوتی اخلاقی و پرخاشگری نوجوانان مثبت و معنادار است. تأثیر بی‌تفاوتی اخلاقی بر پرخاشگری نوجوانان مثبت و معنادار است.

در جدول ۳، مقادیر به دست آمده در پژوهش حاضر و حد قابل پذیرش هر یک از شاخص‌های برازش گزارش شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های برازش به دست آمده همگی در سطح مناسبی هستند و داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مدل، برازش مناسبی دارد. در شکل ۲ مدل آزمون شده برای فرضیه‌های پژوهش همراه با



شکل ۲: الگوی آزمون شده پژوهش

۴ اثرات مستقیم، آماره تی، و سطح معناداری متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

با توجه به شکل ۲، تعارض نوجوانان و والدین و بی‌تفاوتی اخلاقی، ۴۵ درصد واریانس پرخاشگری را تبیین می‌کنند. تعارض نوجوانان و والدین ۴۵ درصد واریانس بی‌تفاوتی اخلاقی را تبیین می‌کنند. در جدول

جدول ۴: نتایج مربوط به اثرات مستقیم

| مسیرها | بر آورد پارامتر | ضریب مسیر | خطای استاندارد بر آورد | آماره t | سطح معناداری |
|------------------------------|-----------------|--------------------|------------------------|---------|--------------|
| به روی پرخاشگری نوجوانان از: | | | | | |
| بی تفاوتی اخلاقی | ۰/۳۹ | ۰/۲۶ ^{**} | ۰/۲۹ | ۴/۹۶۹ | ۰/۰۰۱ |
| تعارض نوجوانان و والدین | ۰/۶۴ | ۰/۴۷ ^{**} | ۰/۲۱ | ۸/۵۸۹ | ۰/۰۰۱ |
| به روی بی تفاوتی اخلاقی از: | | | | | |
| تعارض نوجوانان و والدین | ۰/۷۸ | ۰/۶۷ ^{**} | ۰/۱۸ | ۱۳/۶۵۸ | ۰/۰۰۱ |

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود با توجه به ضریب مسیر (۰/۲۶) و همچنین آماره t به مقدار (۴/۹۶۹) می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بی‌تفاوتی اخلاقی بر پرخاشگری نوجوانان تأثیر مثبت و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (۰/۴۷) و همچنین آماره t به مقدار (۸/۵۸۹) می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد، تعارض نوجوانان و والدین بر پرخاشگری نوجوانان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

با توجه به ضریب مسیر (۰/۶۷) و همچنین آماره t به مقدار (۱۳/۶۵۸) می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد، تعارض نوجوانان و والدین بر بی‌تفاوتی اخلاقی تأثیر مثبت و معناداری دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های معادلات ساختاری بررسی اثرات غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر است. در جدول ۵ نتایج اثرات غیرمستقیم ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج مربوط به اثر غیرمستقیم تعارض نوجوانان و والدین بر پرخاشگری نوجوانان از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی

| مسیر | برآورد پارامتر | ضریب مسیر | خطای استاندارد برآورد | آماره t | سطح معناداری |
|-------------------------|----------------|--------------------|-----------------------|---------|--------------|
| تعارض نوجوانان و والدین | ۰/۴۱ | ۰/۱۷ ^{۰۰} | ۰/۰۸ | ۴/۶۶۹ | ۰/۰۰۱ |

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، با توجه به ضریب مسیر (۰/۱۷) و همچنین آماره t به مقدار (۴/۶۶۹) می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بی‌تفاوتی اخلاقی در ارتباط بین تعارض نوجوانان و والدین و پرخاشگری نوجوانان، نقش میانجی مثبت و معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مدل‌یابی روابط ساختاری تعارض نوجوانان و والدین با پرخاشگری از طریق نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی در نوجوانان دختر با استفاده از روش معادلات ساختاری بود. نتایج معادلات ساختاری نشان داد که الگوی پیشنهادی با داده‌های این پژوهش برازش نسبتاً خوبی دارد و می‌تواند ۴۵ درصد واریانس پرخاشگری نوجوانان و ۴۵ درصد واریانس بی‌تفاوتی اخلاقی را تبیین کند. نتایج معادلات ساختاری نشان داد تعارض نوجوانان و والدین بر پرخاشگری نوجوانان تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین تعارض نوجوانان و والدین به افزایش پرخاشگری نوجوانان منجر می‌شود. با توجه به اینکه پژوهش‌های چگینی، ابراهیمی و صاحبی (۱۲)، حجازی، باباخانی و احمدی (۱۳)، پورمند، محسن‌زاده و قانندنیای (۱۴)، گارته، سولیوان و گورمان-اسمیت (۱۰) و لابلو و ماستن (۱۱) نشان دادند که تعارض نوجوانان و والدین منجر به افزایش پرخاشگری می‌شود، بنابراین منطقی است که بین تعارض نوجوانان و والدین و پرخاشگری، رابطه وجود داشته باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که خانواده یک سازمان اجتماعی کوچک است که روابط اعضای آن به ویژه روابط

والدین با فرزندان، مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده این سازمان است. رشد مطلوب و سالم فرزندان در تمام ابعاد، مرهون ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان است. تحلیل‌های نظری و تجربی بسیاری به ارتباط کارآمد والدین با فرزندان اختصاص دارد که برای آن اهمیت و ارزشی خاص قائل شده‌اند. از سوی دیگر مطالعات فراوانی به تأثیر کیفیت رابطه والد-فرزند بر هر یک از اعضای خانواده به عنوان یک رابطه دو جانبه توجه داشته‌اند. بدیهی است زندگی از دوران بلوغ آغاز نمی‌شود، بلکه در طی سال‌های کودکی شکل می‌گیرد و کودک فرا می‌گیرد که چگونه با محیط اطراف خود و با اشخاص دیگر، ارتباط احساسی برقرار کند. کودکانی، خوشبخت هستند که در خانواده‌های باثبات به سر می‌برند و ارتباط نزدیکی بین والدین و آنان وجود دارد. در خانواده‌هایی که آرامش و ثبات برقرار است، روابط نزدیک والد-فرزند وجود دارد و والدین با فرصت‌های بی‌شماری که برای فرزندان خود فراهم می‌کنند، زمینه لازم را برای زندگی موفقیت‌آمیز فرزندان تدارک می‌بینند. از سوی دیگر، سبک تربیتی ناسالم خانواده و کارکرد معیوب خانواده باعث بروز اختلالات رفتاری، بزهکاری و پرخاشگری در فرزندان می‌شود. بر این اساس می‌توان استنباط کرد که خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه، تأثیر مهمی در نوع نگرش فرزندان به رفتارهای پرخطر و پرخاشگری دارد. هنگامی که خانواده به خوبی کار کند، موجب می‌شود که اعضای خانواده با احتمال کمتری دچار مشکلات روان‌شناختی شوند، عملکردهای منسجم‌تری داشته باشند، قادر به انطباق با عوامل تشنگر

باشند، قواعد و مرزهای خانوادگی مشخص و آشکاری داشته باشند، و در نتیجه تمایل کمتری به پرخاشگری داشته باشند.

نتایج این مطالعه نشان داد بی‌تفاوتی اخلاقی بر پرخاشگری نوجوانان تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین بی‌تفاوتی اخلاقی به افزایش پرخاشگری نوجوانان منجر می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های مازونه، یاناگیدا، کارویتا و استروهمیر (۲۰)؛ سجویسما، گاروفالو، جانسن و کلیمسترا (۲۱) و تنگ، نیه، گویو، ژانگ، لیو و بوشمان (۲۲) که دریافتند بی‌تفاوتی اخلاقی منجر به افزایش پرخاشگری می‌شود، همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مکانیسم‌های بی‌تفاوتی اخلاقی بندورا (۱۵) چهار روش را پیشنهاد می‌کند که در آن افراد می‌توانند رفتارهای خود را که از نظر اخلاقی اشتباه هستند، توجیه کنند. این چهار مکانیسم بی‌تفاوتی اخلاقی بدین شرح هستند: مکانیسم نخست با توجیه رفتارهای مضر خود، از نظر تغییر ساختار شناختی، کار می‌کند. در طی این فرایند، رفتارهای مضر به گونه‌ای بازسازی می‌شوند که شخصاً توجیه شده و از نظر اخلاقی قابل قبول شوند (۱۵). تجدید ساختار شناختی شامل سه مکانیسم است: توجیه اخلاقی (به عنوان مثال، تغییر رفتارهای مضر به عنوان خدمت به یک هدف اخلاقی یا اجتماعی)، برچسب زدن خود و مقایسه مطلوب (مثلاً مقایسه یک عمل منفی با موارد دیگر، به منظور اینکه عمل کمتر مضر به نظر برسد). سازوکار دوم شامل توجهات مربوط به تأثیرات مضر بر قربانی است. این سازوکارها با به حداقل رساندن مسئولیت مرتکبین و در نتیجه کاهش اثرات زیان‌آور ناشی از آن کار می‌کنند. مکانیسم سوم شامل پیوندی بین رفتار آنها و تأثیرات مخرب ناشی از آن است. جابجایی مسئولیت و انتشار مسئولیت توسط مجرم توجیه می‌شود که کمتر مسئول رفتارهای غیراخلاقی هستند. سرانجام، سازوکارهایی که باعث از دست رفتن هویت شخصی مربوط به قربانی می‌شوند، مانند از دست دادن صفات انسانی و انتساب سرزنش، رفتار ناعادلانه با قربانیان را تسهیل می‌کنند (۱۵)؛ بنابراین کسانی که مرتکب پرخاشگری شده‌اند، حاضر هستند قربانیان را توجیه کنند که سزاوار رفتار پرخاشگری هستند. در نتیجه افرادی که با گذشت زمان، مرتکب رفتارهای غیراخلاقی عمدی می‌شوند، ممکن است در اثر آسیب‌دیدگی یک قربانی احساس گناه نکنند، و حتی از طریق توجهات شناختی رفتار خود را مناسب بدانند.

نتایج این مطالعه نشان داد که تعارض نوجوانان و والدین از طریق بی‌تفاوتی اخلاقی تأثیر غیرمستقیم مثبت و معناداری بر پرخاشگری نوجوانان دارد؛ بنابراین بی‌تفاوتی اخلاقی در ارتباط بین تعارض نوجوانان و والدین و پرخاشگری نوجوانان، نقش میانجی دارد و می‌توان گفت که تعارض نوجوانان و والدین از طریق تأثیرگذاری بر بی‌تفاوتی اخلاقی به افزایش پرخاشگری نوجوانان منجر می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های مازونه، یاناگیدا، کارویتا و استروهمیر (۲۰)؛ سجویسما، گاروفالو، جانسن و کلیمسترا (۲۱)؛ تنگ، نیه، گویو، ژانگ، لیو و بوشمان (۲۲) که نشان دادند بی‌تفاوتی اخلاقی در تأثیر تعارض والدین و نوجوانان و پرخاشگری نوجوانان نقش میانجی دارد، همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تعارض‌های ایجاد شده، پیامدهای منفی بر فرد دارند و باعث می‌شوند که فرد ناآرام و شدیداً مضطرب باشد و نتواند روی کار تمرکز داشته باشد و تصمیم‌های اتخاذ شده ممکن است، نامناسب باشند. در نتیجه تعارض‌ها می‌تواند به کارایی فرد آسیب برساند و در نتیجه به کاهش بی‌تفاوتی اخلاقی و افزایش پرخاشگری، منجر شوند.

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان دادند که تعارض والدین و نوجوانان به افزایش بی‌تفاوتی اخلاقی و پرخاشگری نوجوانان منجر می‌شود؛ به عبارت دیگر هر چقدر که بین والدین و نوجوانان، تعارضات بیشتری وجود داشته باشد و برای حل این تعارضات از شیوه‌های پرخاشگرانه استفاده شود، به همان میزان بر بی‌تفاوتی اخلاقی و در نتیجه پرخاشگری نوجوانان، افزوده می‌شود. در واقع نوجوانانی که در خانواده آنان برای حل تعارضات از شیوه‌های پرخاشگرانه استفاده می‌شود، آنان نیز در تعامل با سایر نوجوانان برای حل مسائل و مشکلات و دست‌یابی به اهدافشان، بیشتر از شیوه‌های پرخاشگرانه استفاده می‌کنند. بررسی مطالعات انجام شده نشان داد که تاکنون پژوهشی به بررسی تعارضات نوجوانان و والدین با پرخاشگری از طریق نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی در چارچوب مدل معادلات ساختاری نپرداخته است. برخی از مطالعات پیشین رابطه دو به دو متغیرها یا متغیرهای پژوهش با متغیرهای دیگر را بررسی کرده‌اند، اما تاکنون پژوهشی به بررسی تعارضات نوجوانان و والدین با پرخاشگری از طریق نقش میانجی بی‌تفاوتی اخلاقی نپرداخته است و پژوهش حاضر از این جهت از مطالعات پیشین، متمایز است. یافته‌های این مطالعه باعث افزایش آگاهی و دانش روان‌شناسان در زمینه

علل زیربنایی پرخاشگری نوجوانان شده و در کنار یافته‌های پیشین، زمینه را برای تدوین نظریه در حوزه الگوهای تعاملی و تعارضات والدین و نوجوانان و تأثیر آنها بر بی‌تفاوتی اخلاقی و پرخاشگری نوجوانان فراهم می‌کند.

مطابق با یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای مدون برای آموزش مهارت‌های ارتباطی بین نوجوانان و والدین به صورت کارگاه‌های آموزشی و همچنین تدوین کتابچه‌های کاربردی متعددی در این زمینه برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. برنامه‌ریزی و اجرای هر برنامه مربوط به کاهش بی‌تفاوتی اخلاقی، مستلزم تشخیص عناصر و مؤلفه‌های مؤثر در آن است؛ بنابراین، نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزی‌ها، اقدامات، و اصلاحات نهادهای رسمی قرار گیرد. در این مطالعه تنها نمونه‌ای از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه در شهر قم بررسی شد؛ بنابراین تعمیم یافته به دیگر دانش‌آموزان و مقاطع سنی و همچنین نوجوانان پسر با محدودیت مواجه است. همچنین، یافته‌ها بر اساس داده‌های خود گزارش دهی هستند و در نتیجه

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌های پژوهش کیفی و آمیخته برای شناسایی عوامل مؤثر بر پرخاشگری نوجوانان، استفاده شود.

تشکر و قدردانی: این پژوهش با کد اخلاق IR.IAU.BABOL.

REC.1399.013 برگرفته از رساله دکترای خانم زهره محمدعینی در رشته روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل با کد پایان‌نامه ۱۵۶۴۸۲۲۹۲۱۰۷۴۲۱۳۹۸۱۷۸۸۶۲ است. همچنین مجوز اجرای آن بر روی افراد نمونه از سوی اداره آموزش و پرورش شهر قم با شماره نامه ۲۵۰۰/۱۳۹۷۹۸/۶۵۰ مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۵ صادر شده است. بدین وسیله از مسئولان اداره آموزش و پرورش مخصوصاً کارشناس هسته مشاوره که هماهنگی با مدارس جهت آموزش و پژوهش را انجام دادند و همچنین از کادر اداری و مربیان مدارس و افراد نمونه که در اجرای این طرح به ما کمک کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: نویسندگان این مقاله، هیچ گونه تضاد منافی را در گزارش یافته‌های این پژوهش، گزارش نکرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Malti T, Rubin KH. Handbook of child and adolescent aggression. Guilford Publications; 2018, pp: 22-35. [\[Link\]](#)
- Elam KK, Chassin L, Pandika D. Polygenic risk, family cohesion, and adolescent aggression in Mexican American and European American families: Developmental pathways to alcohol use. *Dev Psychopathol.* 2018; 30(5): 1715–1728. [\[Link\]](#)
- Sukhodolsky DG, Wyk BCV, Eilbott JA, McCauley SA, Ibrahim K, Crowley MJ, et al. Neural mechanisms of cognitive-behavioral therapy for aggression in children and adolescents: Design of a randomized controlled trial within the national institute for mental health research domain criteria construct of frustrative non-reward. *J Child Adolesc Psychopharmacol.* 2016; 26(1): 38–48. [\[Link\]](#)
- Koroshi Moghadam T, Esfahani Asl M. Evaluation and expression of the effectiveness of anger management skills on students' aggression. The first national conference on heart and sports. 2018. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Dortaj F, Masaebi A, Asadzadeh H. The effect of anger management on aggression and social adjustment of 12-15 years old male students. *Journal of Applied Psychology.* 2010; 3(4): 62-72. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Beyens I, Beullens K. Parent-child conflict about children's tablet use: The role of parental mediation. *New Media Soc.* 2017; 19(12): 2075-93. [\[Link\]](#)
- Delgado MY, Nair RL, Updegraff KA, Umaña-Taylor AJ. Discrimination, parent-adolescent conflict, and peer intimacy: examining risk and resilience in Mexican-origin youths' adjustment trajectories. *Child Dev.* 2019; 90(3):894-910. [\[Link\]](#)
- Holmbeck GN. A model of family relational transformations during the transition to adolescence: Parent-adolescent conflict and adaptation. 2018. [\[Link\]](#)
- Thomas SA, Jain A, Wilson T, Deros DE, Jacobs I, Dunn EJ, Aldao A, Stadnik R, De Los Reyes A. Moderated mediation of the link between parent-adolescent conflict and adolescent risk-taking: The role of physiological regulation and hostile behavior in an experimentally controlled investigation. *J Psychopathol Behav Assess.* 2019; 41(4):699-715. [\[Link\]](#)
- Garthe RC, Sullivan TN, Gorman-Smith D. The family context and adolescent dating violence: a latent class analysis of family relationships and parenting behaviors. *J Youth Adolesc.* 2019; 48(7):1418-32. [\[Link\]](#)
- Labella MH, Masten AS. Family influences on the development of aggression and violence. *Curr Opin Psychol.* 2018; 19:11-6. [\[Link\]](#)
- Chegini L, Ebrahimi M.I, Sahebi A. The effect of teaching choice theory to parents on the aggression of their students' children in primary school. *Child Ment Health.* 2019; 6 (1): 70-82. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Hejazi E, Babakhani N, Sadat Ahmadi S.N. The effectiveness of interpersonal communication skills training on aggression and impulsive behaviors among high school students. *J Res Edu Sys.* 2018; 12 (40): 25-38. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Pourmand F, Mohsenzadeh F, Qahednia Jahromi A. The relationship between family functioning, domestic violence and parent-child relationship with the behavior of victims of bullying among high school girls. *Soc Health.* 2017; 4 (4): 275-285. [Persian]. [\[Link\]](#)
- Bandura A. Social foundations of thought and action. Englewood Cliffs, NJ. 1986; 1986:23-8.
- Bandura A. Selective activation and disengagement of moral control. *J Soc Issues.* 1990; 46(1):27-46. [\[Link\]](#)
- Bandura A. Moral disengagement: How people do harm and live with themselves. Worth Publishers; 2016. [\[Link\]](#)
- Bandura A. Selective moral disengagement in the exercise of moral agency. *J Moral Educ.* 2002; 31(2):101-19. [\[Link\]](#)
- Gini G, Thornberg R, Pozzoli T. Individual moral disengagement and bystander behavior in bullying: The role of moral distress and collective moral disengagement. *Psychol Violence.* 2018. [\[Link\]](#)
- Mazzone A, Yanagida T, CS Caravita S, Strohmeier D. Moral emotions and moral disengagement: Concurrent and longitudinal associations with aggressive behavior among early adolescents. *J Early Adolesc.* 2019;39(6):839-63. [\[Link\]](#)
- Sijtsema JJ, Garofalo C, Jansen K, Klimstra TA. Disengaging from evil: Longitudinal associations between the dark triad, moral disengagement, and antisocial behavior in adolescence. *J Abnorm Child Psychol.* 2019; 47(8):1351-65. [\[Link\]](#)
- Teng Z, Nie Q, Guo C, Zhang Q, Liu Y, Bushman BJ. A longitudinal study of link between exposure to violent video games and aggression in Chinese adolescents: The mediating role of moral disengagement. *Dev Psychol.* 2019;55(1):184. [\[Link\]](#)

23. Ghasemi, V. Optimal sample size estimation in structural equation models and its adequacy assessment for social researchers. *Iran Sociol.* 2011; 12(4): 138-161. [Persian]. [\[Link\]](#)
24. Buss AH, Perry M. The aggression questionnaire. *J Pers Soc Psychol.* 1992; 63(3):452. [\[Link\]](#)
25. Mohammadi, N. Preliminary study of psychometric indices of Bass-Perry aggression questionnaire. 2006. [\[Link\]](#)
26. Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Dev Psychol*, 1983; 19(5), 703. [\[Link\]](#)
27. Zaboli, P. Assessing the usefulness of psychoanalytic method in improving conflict resolution skills of girls with mothers of first year high school students in Tehran Region 2. Master Thesis, Khatam University; 2004. [Persian]. [\[Link\]](#)
28. Caprara GV, Capanna C. Moral disengagement in the exercise of civic-ness. *Interdisciplinary Yearbook of Business Ethics.* 2006; 1(2006):87-98. [\[Link\]](#)

